

یادداشت

سرنوشت اسناد زاهدی

عباس ظهوری

● نگارنده این سطور در میانه دهه ۶۰ به همراه چند نفر دیگر از جوانان علاقه‌مند به تاریخ ایران وارد فضای زندگی اردشیر زاهدی و سایر دولتمردان شاه شدیم.

با مصادره اموال طاغوتیان در سال ۵۷، اسناد و کاغذهای داخل منازل این افراد در گونی‌هایی قرار می‌گرفت و در سوله‌ای در حومه تهران نگهداری می‌شد.

در زمان ریاست مهندس مظاهری بر بنیاد مستضعفان، ایشان منشأ خیر شد و به همراه گروهی از جوانان علاقه‌مند و دلسوز، این گونی‌ها به ساختمانی منتقل شد و با جذب نیروهای متنوع، کار طبقه‌بندی این اسناد آغاز شد. از نسخه پزشکی تا مهم‌ترین اسناد و مکاتبات درباری و وزارت خارجه بخش کوچکی از اقیانوس عکس و سند بود که تفکیک می‌شد تا در مراحل بعد میکروفیلم شده و با رعایت اصول آرشیو در گاوصندوق‌ها نگهداری شود.

نگارنده به همراه چند جوان علاقه‌مند و بانگیزه از صبح زود به بررسی و مطالعه این اسناد پرداختیم تا به‌عنوان اولین خروجی نمونه‌ای از کلچین عکس‌ها و اسناد دوره پهلوی و قاجار در بهمن ۱۳۶۷ و گرامیداشت اولین دهه انقلاب نمایشگاه باشکوهی را در تهران برگزار کنیم.

برای نمونه برخی استادان زبده دانشگاه تهران که نسبت به رضاشاه همدلی داشتند و او را بدون سابقه اخلاص و سپرده در بانک‌های خارجی می‌دانستند، با دیدن مدارک سپرده‌گذاری رضاشاه در بانک وست‌مینستر لندن متعجب می‌شدند و گاهی ساعت‌ها در مقابل این اسناد به تماشای می‌نشستند.

اردشیر زاهدی در دهه ۵۰ شمسی به‌عنوان سفیر شاه دوباره به واشگتن رفت تا بتواند رابط کاخ سفید و دربار باشد، لای‌هایی در مطبوعات، سنا و کنگره را بیندازد و با میهمانی‌های باشکوه خاویار و قالی ایرانی بین ستاره‌های سینما و چهره‌های سیاسی، فرهنگی و هالیوودی آنها را به خدمت منافع دربار یا کشور درآورد.

به خاطر اینکه شاه و زاهدی به هیچ‌کس اعتماد نداشتند، برای مکاتبات خود به‌جای رمز در بار یا وزارت خارجه، صندوقی آهنی تهیه می‌کنند با قفلی که دو کلید دارد. زاهدی در طول هفته مطالب سری را درون این صندوق کوچک فلزی می‌گذاشت و قفل می‌کرد و با اولین پرواز به دربار می‌رساند و شاه با کلید خود در را شخصاً باز و نامه‌ها را می‌خواند یا دستور کتبی می‌داد.

اسناد موجود در منزل اردشیر زاهدی نیز در همین آرشیو که اکنون مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر نام دارد، نگهداری می‌شد.

اردشیر عادت داشت غیر از مکاتبات خصوصی، رونوشت تمام اسناد وزارت خارجه را در پوشه‌های منظمی در خانه‌اش در حصارک نگهداری کند.

آنچه از مطالعه حاشیه‌نویسی‌ها و سایر مکاتبات وی در نگاه اول به چشم می‌خورد مرام و منش خاصی او است که با زیردستان و همکاران خود مانند داش‌مشهدی‌های قدیم با زبانی کمی آلوده به ناسزا سخن می‌گفت. حتی در مکاتبات با هویدا یا معاونان وزارت خارجه در نامه‌های اداری الفاظ رکیک به وفور استفاده می‌کرد و ترس و ملاحظه‌ای از هیچ مقامی نداشت.

بارها در مکاتبات از هویدا، نخست‌وزیر وقت با کلمات رکیک و موهن یاد می‌کرد و می‌گفت این رَجُل سیاسی کشور آینده‌ای ندارد و بسیار نگران بود.

اردشیر زاهدی در روزهای حساس پاییز ۱۳۵۷ مکرر برای مشورت به تهران می‌آمد و حتی روزی که شاه آن نطق معروف عنزخواهی در ۱۳ آبان را جلوی دوربین قرائت کرد، یک لحظه مردم تصویر اردشیر زاهدی را کنار پرده پشت سر شاه دیدند.

او چاره‌ای نداشت و دور از چشم شاه این ژنرال‌های چهارستاره را می‌دید که از ترس قالب تهی می‌کنند و زودتر از شاه قصد فرار دارند. او فقط آنها را با ناسزای رکیک بدرقه می‌کرد.

وی پدر خود فضل‌الله زاهدی را به یاد می‌آورد که به تنهایی شبانه به دل دشمن می‌زد و خزعل حاکم خوزستان را با حيله دستگیر کرده بود. وی ژنرال‌های رضاشاه را به یاد می‌آورد که چندساعته ارتش کشور را در مقابل بیگانه مرخص کردند.

در چند ماه آخر رژیم شاه، اردشیر زاهدی که خود را غلام خانه‌زاد شاه می‌دانست از بی‌کفایتی و رفتار ننگین امیران ارتش و ژنرال‌های شاهنشاهی به خشم می‌آمد و آنها را ژنرال‌های بزمی پای میز پوکر می‌دانست و نه امیران رزم. او هر روز با سیل تقاضای امرای ارتش برای فرار به بهانه بیماری روبه‌رو می‌شد و سیل فحش و ناسزا را به آنان نثار می‌کرد. با فرار شاه، اردشیر زاهدی در تبعید تا روز آخر کنار شاه ماند و با مرگ شاه و غسل و کفن و دفن وی از خانواده سلطنتی جدا شد.

شرق: طرح محدودسازی اینترنت که در مجلس «طرح صیانت از کاربران فضای مجازی» نام گرفته، با همراهی دولت در حال نهایی‌شدن است و خبری از جزئیات تغییرات اعمال‌شده نیست و فقط مشخص شده مواضع مجلس و دولت با مخالفت‌های گسترده کارشناسان و مردم برای تصویب چنین طرحی، بسیار به هم نزدیک بوده و عزمی جدی برای محدودسازی اینترنت ایجاد شده است.
باین حال، در جلسه روز گذشته کمیسیون مشترک یک اتفاق خوب رخ داد و آن این بود که مصوب شد طرح مجلس و پیشنهادهای دولت برای بررسی و اصلاح طرح به مرکز پژوهش‌ها برود و در آنجا رسیدگی کارشناسی و بازنگری جدی‌تری انجام شود.

در نهمین جلسه کمیسیون مشترک که بررسی این طرح را در دست دارد، صحبت از متنی محرمانه شده بود که دولت برای اصلاح طرح برای کمیسیون ارسال کرده است. در جلسه دیروز یعنی دهمین جلسه کمیسیون مشترک «که مانند تمامی جلسات قبلی بسیار هم بی‌نظم بود»، مشخص شد دولت طرحی اصلاحی برای صیانت تهیه کرده اما ایرادها از قرار معلوم همچنان پابرجاست؛ هرچند در نهایت تصمیم‌گیری با پارلمانی است که در آن هیچ نشانی از تلاش برای کنارزدن طرح صیانت و تهیه طرحی جامع و کامل با تضمین حقوق کاربران به چشم نمی‌خورد. این طرح در کنار طرح‌های صیانت از شهروندان در برابر حیوانات و صیانت از حقوق خانواده، سه‌گانه‌های صیانتی پارلمان یازدهم را تشکیل می‌دهد؛ سه‌گانه‌ای که هیچ‌یک از آنها از سوی کارشناسان و فعالان مستقل این حوزه‌ها مورد استقبال قرار نگرفته‌اند، اما مجلس خود را مقید به ادامه مسیری می‌داند که آغاز کرده است. این در حالی است که طرح صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت که برای حمایت از زنان در برابر انواع خشونت‌ها در میان افکار عمومی اهمیتی دوچندان داشته و لایحه‌ای جامع است، همچنان بلاتکلیف مانده است و اراده‌ای برای صیانت از زنان وجود ندارد، اما صیانت شهروندان در برابر حیوانات با محوریت ممنوع‌کردن نگهداری حیوانات خانگی در اولویت نمایندگان قرار گرفته است.

سیاست

طرح صیانت از کاربران فضای مجازی به مرکز پژوهش‌ها بازگشت

محدودسازی اینترنت در تعلیق



فوتی

فوتی

در موضوع صیانت از حقوق کاربران با توجه به تشکیل کمیسیون مشترک و وجود سه، چهار نماینده مخالف این طرح، کورسوی امیدی برای اصلاح طرح وجود داشت و هرچند در اکثر جلسات محوریت جلسات در دست موافقان طرح مذکور بود، اما در نهایت شرایط جلسه دیروز متفاوت بود و نظر مخالفان پذیرفته شد. در جلسه دیروز موضوع ارسال پیشنهادهای دولت به چالش کشیده شد و برخی نمایندگان معتقد بودند باید برای دیدگاه دولت ارزش قائل شد و به تلفیق نظر دولت و مجلس پرداخت و مرکز پژوهش‌ها سه‌گانه‌های صیانتی پارلمان یازدهم را تشکیل و معتقدند بودند سرعت رسیدگی کُند خواهد شد و نباید طرح برای بررسی بیشتر معطل شود. هرچند محسن زنگنه در نهمین نشست این کمیسیون با بیان اینکه بر اساس آیین‌نامه، نظراتی که به هیئت‌رئیسه از سوی دولت ارائه می‌شود، باید در جلسات کمیسیون مشترک اعلام شود، خطاب به تقی‌پور گفته بود: زارع‌پور، وزیر ارتباطات، در دو هفته گذشته نامه‌ای به شما ارسال و بیان کرد که با توجه به استقرار دولت جدید، در حال تدوین طرحی هستیم و درخواست افزودن پیشنهادهایی به طرح مجلس را داشتند؛ بنابراین اگر صلاح است می‌طلبید تا به پیشنهادهای دولت توجه داشته باشیم و بهتر بود

کمیسیون نسبت به بررسی آنها اقدام و در طرح ادغام کنیم و دولت تمایلی برای ارائه ارائه لایحه جداگانه ندارد.

در همین شرایط بود که غلامرضا نوری‌قرلجه پیشنهادی را مطرح کرد که در جلسه دهم به نتیجه رسید. او در این نهمین نشست یادآور شد: می‌طلبید کلیات طرح به مرکز پژوهش‌ها ارائه شود تا ذی‌نفعان و کارشناسان، بخش‌های دولتی، خصوصی و عمومی بتوانند اظهارنظر کنند و جمع‌بندی لازم را داشته باشیم.

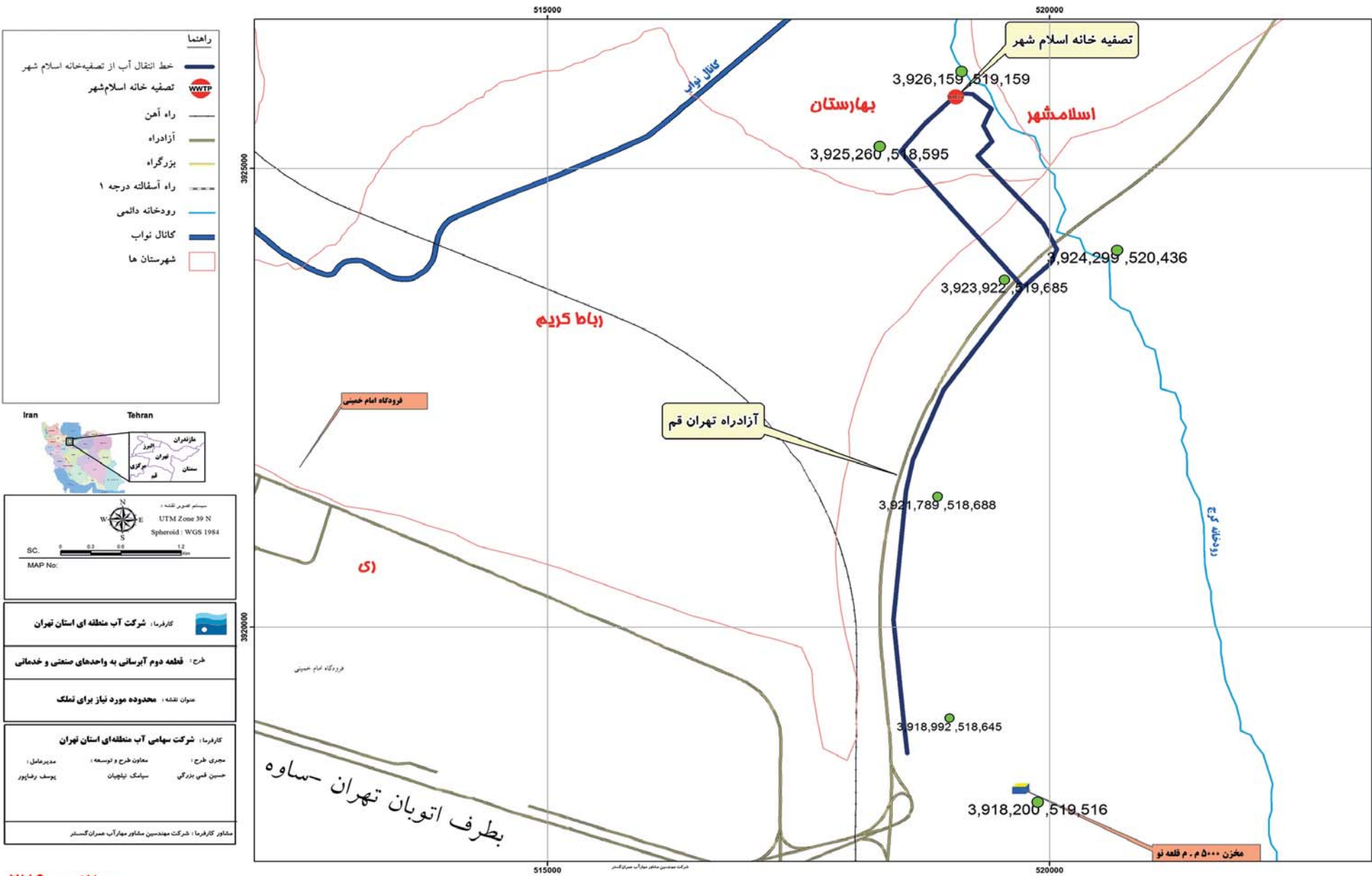
در نهایت این بحث در جلسه دهم ادامه یافت و چالش نمایندگان بر این موضوع بود که دولت پیشنهاد داده و لایحه نداده که بخواهند اولویت به لایحه بدهند و امیرآبادی و نوری خواستار شدند مطابق ماده ۱۴۲ آیین‌نامه داخلی رفتار شود که با رأی‌گیری‌ای که انجام شد، ۱۳ رأی موافق را کسب کرد تا شاهد باشیم یک اتفاق مثبت در روند

رسیدگی به این طرح رخ دهد. بنابراین امیدها برای تعدیل مواد مورد اعتراض قوت گرفته و پیش‌بینی‌ها بر این اساس است که در آینده نزدیک، طرحی قوام‌یافته و با حواشی کمتر از مرکز پژوهش‌ها نهایی و مانع ادامه تقابل مجلس با مردم شود. این طرح به‌عنوان تصمیمی غیرعقلانی مورد نقد جدی در جامعه قرار گرفته بود و کارزاری با بیش از یک‌میلیون و صد هزار امضا در مخالفت با این طرح فعال شده است. همچنین صاحب‌نظران بسیاری در رابطه با عواقب نامطلوب این طرح هشدار داده‌اند که تعطیلی کسب‌وکارهای اینترنتی یکی از این هشدارهاست که موجب اعتراض و ناراضی‌تی عمومی خواهد شد. همچنین محدودکردن دسترسی افراد به جریان آزاد اطلاعات با فیلترکردن یا کاهش پهنای باند مورد استفاده پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی، یکی از دغدغه‌های جدی است که موجب ایجاد رانتی فسادانگیز برای نمونه‌های نه‌چندان موفق داخلی خواهد شد. بنابراین با تصویب بازگشت طرح به مرکز پژوهش‌ها، «هرچند نظرات دولت همچنان محرمانه مانده و تغییرات اعمال‌شده در متن اولیه مشخص نیست»، می‌تواند به نتیجه کار کارشناسی امید بیشتری داشت؛ به‌ویژه که محدوده زمانی خاصی هم برای کار مرکز پژوهش‌ها در نظر گرفته نشد.

آگهی

شناسه آگهی ۱۲۱۹۷۸۰

شرکت آب منطقه ای تهران به استناد **لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک** برای اجرای برنامه های عمومی ، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب درنظر دارد در راستای اجرای **خط لوله انتقال آب** که شروع آن از **نقطه تحویل آب درمحل خروجی تصفیه خانه فاضلاب اسلامشهر** واقع در جنوب غربی شهر **واوان** می باشد و با طی مسیر از اراضی محدوده اجرا درغرب رودخانه کرج بطول **حدود ۳ کیلومتر** امتداد یافته و **پس از تقاطع با آزادراه تهران – قم** ، در حاشیه شرقی آزادراه به میزان حدود ۶ کیلومتر به سمت شهرک صنعتی شمس آباد ادامه می یابد را مطابق کروکی ذیل مورد تملک قرار دهد ، **لذا بدینوسیله مراتب در دو نوبت به فاصله ده روز جهت اطلاع مالکان و صاحبان حقوق قانونی زمین های مذکور در روزنامه های کثیرالانتشار درج می گردد تا حداکثر ظرف مدت یکماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی جهت تعیین تکلیف اراضی و واگذاری ملک بنام این شرکت در قبال دریافت حقوق متعلقه با در دست داشتن مدارک و سوابق مالکیت خود به دفتر حقوقی این شرکت واقع در تهران – بلوار کشاورز – خیابان حجاب – ساختمان مرکزی مراجعه نمایند .**
بدیهی است در غیر اینصورت موضوع مطابق تشریفات مقرر قانونی اقدام خواهد گردید.



م الف ۲۷۶۰

ادامه از صفحه ۲

محل‌های سیاسی جای احزاب را گرفته‌اند

● **ک**ا سؤال باقی می‌ماند و آن اینکه اگر ما انتخابات حزبی داشتیم شاید مشکلی که به‌ویژه این روزها تحت عنوان فقدان شایسته‌سالاری و شیوع فامیل‌بازی در انتصابات شاهد هستیم، نداشتیم. چون در شرایطی که انتخابات حزبی است، حزب مجبور است بخشی از جیش خود را از درون حزب انجام دهد؛ از میان افرادی که هم تربیت سیاسی شده‌اند، هم کارنامه و شناسنامه مشخصی دارند.

بله، شایسته‌سالاری باید اول درون خود احزاب باشد. سایه مؤسسان و پدرخوانده‌ها نباید آن‌قدر سنگین باشد که اجازه جذب، حضور و بالندگی چهره‌های جدید را ندهد. در خود احزاب مسئولیت‌پذیری باید تمرین شده باشد. وقتی احزاب دارای آرمان‌های مدرن به شکل فامیلی و رابطه‌محور اداره می‌شوند، طبیعی است که این فرهنگ غلط به کل نظام سیاسی سرریز می‌شود. من یک مثال درباره مسئولیت‌پذیری عرض کنم. زمان انتخابات دوره اول ریاست‌جمهوری، در شورای حزب جمهوری اسلامی اسامی نامزدها مطرح می‌شود. در گفت‌وگوهای مفصلی که رخ می‌دهد، یکی از مخالفان اصلی نامزدی جلال‌الدین فارسی، شهید بهشتی است؛ چون ایشان را می‌شناخته و با ویژگی‌های اخلاقی‌اش آشنا بوده است. ظاهرا جلال‌الدین فارسی خیلی رفتار حزبی و منضبط ضروری برای کار دسته‌جمعی نداشته است؛ چون فرد حزبی باید در چارچوب مواضع حزب کار کند. معنای سیاست حزبی یعنی همین. چون این انضباط‌پذیری در ایشان نبوده، شهید بهشتی با نامزدی او مخالفت می‌کند، اما در رأی‌گیری نهایی شورای مرکزی، فارسی رأی می‌آورد. نکته درخور توجه این است که بعد از تصویب شورای مرکزی و تصمیم حزب مبنی بر اینکه فارسی نامزد ریاست‌جمهوری شود، کوچک‌ترین ژست یا مخالفت علیه او در گفتار و رفتار دبیرکل دیده نمی‌شود. من بارها دیده‌ام از این مسئله عدول می‌شود. مثلاً در مجلس طرح یا لایحه‌ای رأی می‌آورد و رئیس آن مجلس در مصاحبه گفته این قانون تصویب شد، اما من خودم مخالف بودم؛ خب این اصلاً با رفتار